روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر عامل: سید میثم موسوی مهر
مدیر مسئول: سید هادی فیاضی
سردبیر: ارژنگ حاتمی
نشانی: میدان شهداء نبش دانشگاه ۱
دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۸۱ - ۵
نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

SHAHRARANEWS.IR
سال چهاردهم
۳شنبه
۰۳ خرداد ۱۴۰۱
۲۲ شوال ۱۴۴۳
شماره ۳۶۷۲
Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

رطوبت هوا ۲۰٪ | ۳۷□↑۱۷□↓
صبح ۲۸ | ظهر ۳۶
عصر ۲۳ | شب ۲۰

اذان ظهر ۱۲:۲۸:۲۳
غروب آفتاب ۱۹:۳۷:۵۱
اذان مغرب ۱۹:۵۸:۳۲
نیمه شب شرعی ۲۳:۳۷:۰۱
اذان صبح فردا ۰۳:۳۵:۱۷
طلوع آفتاب فردا ۰۵:۱۸:۲۳

حدیث روز

امام صادق(ع) فرمود: هیچ عبادتی برای اعضا، سبک بارتر و در نزد خدا منزلتش برتر و قدرش بیشتر از سخن گفتن برای رضایت خداوند و برای خاطر او و انتشار نعمت های ظاهری و باطنی اش در میان بندگانش نیست.

بحارالانوار، ج۷۱، ص۲۸۵

راهبرد

جایگاه بین المللی شهر

مهدی یاراحمدی خراسانی
مدرس دانشگاه

کلان شهرها درصورتی که قابلیت قرارگرفتن در مسیر پرشتاب توسعه را پیدا کنند و بتوانند موقعیت و جایگاهی را در عرصه اقتصاد روز دنیا به خود اختصاص دهند، خواهند توانست به عنوان یکی از عناصر مؤثر شبکه اقتصاد جهانی، نقش آفرینی کنند. در این حالت ضمن بهره مندی از ویژگی هایی همچون «شهرت و اثرگذاری»، یک «کلان شهر» به «شهر جهانی» ارتقا می یابد. در کارزار رقابت جهانی بین کلان شهرها از هر چند ده شهر (بین کشورهای مختلف) یکی میزان بالاترین سطح فعالیت در میدان اقتصاد جهانی را به دست می آورد و تحت عنوان مکان مرکزی میدان داری و نقش آفرینی می کند و در عمل از شهر جهانی به جهان شهر تغییر وضعیت می یابد.

ارتقا پیدا کردن از جایگاه شهر جهانی به جهان شهری، مقوله ای دشوار است که چالش های فراوانی به همراه دارد.

شهرهایی که در دنیا چنین ادعایی دارند، باید در عرصه های مختلف به توسعه و بالندگی برسند و بتوانند از منافع اقتصاد جهانی بهره بیشتری کسب کنند.

بر این اساس، هر جهان شهر باید از مرحله یک شهر جهانی عبور کند (اما عکس این قاعده وجود ندارد) و نقش متمایزی در عرصه رقابت اقتصادی دنیا برای خود حاصل کند؛ البته در این میان، تنها بحث های اقتصادی مطرح نیست و عواملی همچون هویت شهری، اثرگذاری فرهنگی واجتماعی، میراث کهن و باستانی و سایر عوامل دیگر نیز می توانند اثرات درخور توجهی داشته باشند. با توجه به گسترش شهرنشینی و توسعه کلان شهرها و افزایش نقش آفرینی آن ها در حکمرانی کشورها، امروزه نقش شهرها و مدیریت شهری در اقتصاد بین المللی بسیار پررنگ تر از گذشته شده است. در سند چشم انداز جهان شهر برکت و کرامت، بر تأثیرگذاری در سطح جهانی و بین المللی تأکید شده است.

بر این اساس، باید ابتدا جایگاه واقعی شهر تعریف و تبیین شود. زیرساخت های شهری فراهم شود و سپس حرکت به سمت تحقق مفهوم کامل جهان شهری صورت پذیرد. زیرساخت های شهری شامل طیف وسیعی از فعالیت های ضروری برای عملکرد مؤثر خدمات شهری است که تأثیر مهمی بر کیفیت زندگی اجتماع محلی، الگوی رشد و چشم انداز توسعه اقتصادی می گذارد.

زیرساخت های شهری که از برجسته ترین و پیشرفته ترین نشانه های بعد مادی ساختار شهری دولت محلی جهانی اند، شامل بخش مهمی از زیرساخت های مدرن فناوری اطلاعات و ارتباطات، نهادهای فرهنگی و آموزشی با شهرت جهانی، فرودگاه های بزرگ با عملکردهای هوایی، شبکه حمل ونقل پیشرفته، زیرساخت های ورزشی حرفه ای تا اثر معماری و هنری با برند جهانی هستند.

نگاه هشتم

فتح تاریخ ساز

غلامرضا بنی اسدی|روزنامه نگار

آزادی خرمشهر فقط آزادی یک شهر نبود؛ رستاخیز غیرت یک ملت بود. قیام شجاعت بود. بسیاری از مولفه های ایمانی و ایرانی، «هست» شد تا دشمن «نیست» شود. به این سادگی ها نبود. قدم به جنایت می زدند و نفس های مسمومشان تنفس را برای نخل ها هم سخت می کرد. می کشتند و می آمدند؛ نه برای چند روز اشغالگری که آمده بودند بمانند. «جئنا لنبقی» که بر دیوار خرمشهر نوشتند، یک شعار نبود. هدف گذاری کرده بودند؛ برای همین هم برای پاره تن ما، برای قلب ما، خرمشهر ما، شناسنامه جعلی «محمره» صادر کردند. اگر نماندند، اگر سوم خرداد، تاریخ ساز شد، برای این بود که نتوانستند. خواسته آنان همان بود که بر دیوار نوشتند. همان که جوابش را شهید بهروز مرادی نوشت؛ «آمدیم، نبودید!» دلیل نماندنشان هم نه تجهیزات برتر و عِده و عُده ما که یک چیز دیگر بود؛ همان که محمدآقای جهان آرا به بچه های مقاومت خرمشهر گفته بود؛ «بچه ها! مواظب باشید؛ شهر اگر سقوط کرد، آن را دوباره فتح خواهیم کرد، مواظب باشید ایمانتان سقوط نکند.» همین منش آقایی بچه ها بود که ژنرال های بزرگ بعثی را زمین زد. بچه های مقاوم خرمشهر از محمدعلی جهان آرای سبزپوش تا محمدعلی صفای پلنگی پوش بر این باور استوار ماندند. پاسدار و بسیجی و تفنگدار دریایی و ارتشی و ژاندارم و... نام هایی متفاوت بودند اما یک دل شده بودند با یک هدف. این گونه، گونی لباس و نشان را می توان ذیل آیه ۱۳ سوره شریفه حجرات، تعریف کرد که «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این ها ملاک امتیاز نیست.) گرامی ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست. خداوند دانا و آگاه است.» گروه گروه بودند اما بر یک جغرافیا زاده شدند. همه فرزند ایران بودند و باورمند حقیقتی به نام انقلاب اسلامی. عامل به جهاد برای دفاع از سرحدات وطن. در هنگام نبرد هم مگر تقوایی والاتر از جهاد می توان یافت؟ باری، ایمانشان را مراقبت بودند. تقوایی درخور جهاد پیشه کردند و چنین شد که شهر سقوط کرده را پس گرفتند. محمدعلی جهان آرای خرمشهری نبود. محمدعلی صفای خراسانی، رکورددار شکار تانک، هم نبود اما، ایمانی که آنان مراقب کردند، قامت کشیده بود در هیئت رزمندگانی که دست خدا شدند در آزادسازی خرمشهر. دقیق و ظریف گفت امام روح ا... خمینی که «خرمشهر را خدا آزاد کرد.» رزمندگان، دست خدا بودند در این فتح تاریخ ساز. خدا چون ایمانشان را دید و پایداری شان را در کمال یافت و اخلاصشان را در اوج، دستشان را گرفت و نتیجه آن شد که جهان را به حیرت واداشت. معیار های نظامی به هم ریخت. آنچه در بزرگ ترین دانشگاه های جنگ جهان تدریس می شد، با «خلاف آمد» مواجه شد. دست های تفنگ به دست در برابر دست های خالی بالا رفت و ۱۹ هزار اسیر فقط یک قلم از هزینه صدام بود که هزیمت شد. اینکه این فتح را «تاریخ ساز» می گوییم، نه فقط به زبان تجلیل از یک حماسه که بیان تحلیلی برای یک واقعیت است. آن روز بر مدار تقوا و اخلاص و خداباوری ایستادیم و تاریخ جنگ را عوض کردیم. امروز هم می توانیم ناممکن ها را به امکانی دردسترس تبدیل کنیم اگر به همان نگاه و مشرب، تنظیم رفتار کنیم. نگاهمان به هم اگر ذیل ایمان به خدا باشد، امروز را هم با پیروزی به فردا خواهیم رساند.

کارتون شهر

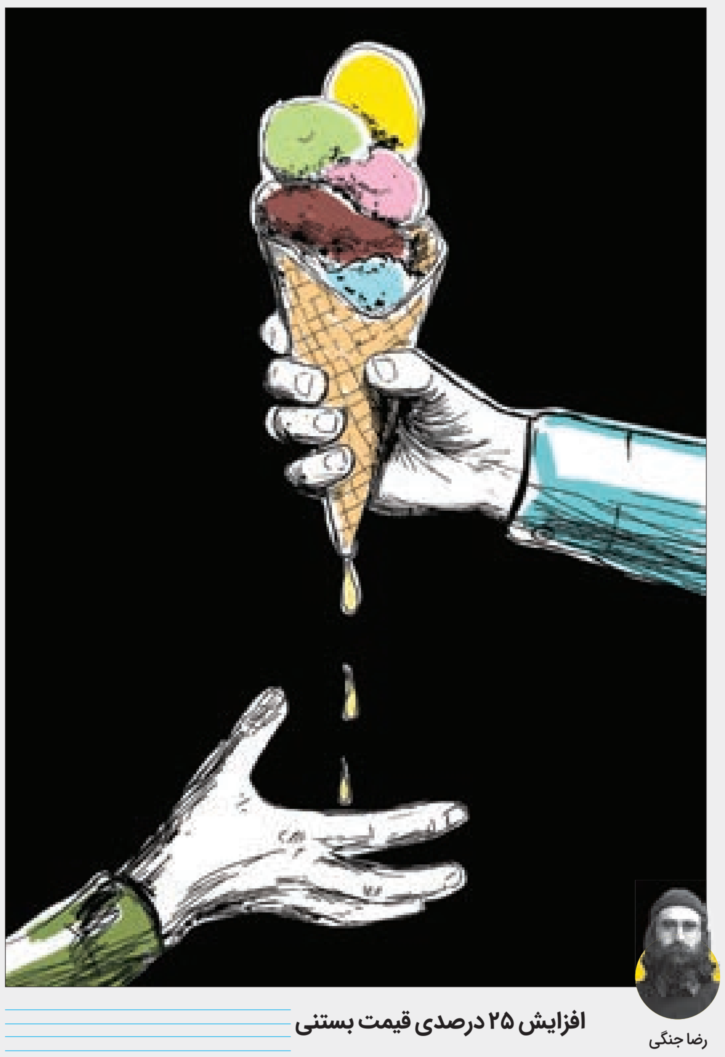

رضا جنگی

افزایش ۲۵ درصدی قیمت بستنی

کیوسک

بوستون گلوب

رکود در آمریکا

تنها چند ماه تا انتخابات میان دوره ای آمریکا باقی مانده است و این درحالی است که مسئله تورم بر دیدگاه آمریکایی ها درباره اقتصاد، سایه افکنده است و موج خبرهای بد اقتصادی که هر روز از گوشه گوشه این کشور فرا می رسد، گریبان گیر بایدن و دموکرات ها شده است. افزایش قیمت بنزین، آشفتگی در بازار سهام، افزایش نرخ بهره، افت ضریب اطمینان مصرف کنندگان (توانایی و توان مردم برای خرید کالاها) و کاهش تولید در مشاغلی که همواره بازاری قدرتمند داشتند و بازار مسکن، همگی نشان از اقتصادی دارند که در نزدیکی فروپاشی است. متخصصان باور دارند خطر رخ دادن رکود اقتصادی در یک سال آینده در این کشور به طرز ناراحت کننده ای بالاست.

هندو

اقداماتی برای مهار تورم هند

نیرمالا سیتارامان، وزیر اقتصاد هندوستان، شب یکشنبه از اقدامات بی شماری که قرار است برای مهار تورم افسارگسیخته در این کشور انجام شود، پرده برداری کرد. این اقدامات عبارتند از: کاهش قیمت فرآورده های نفتی، یارانه ۲۰۰ روپیه ای بر کپسول های گاز مایع (ال پی جی) برای اقشار کم درآمد و تغییر و بهبود عوارض گمرکی محصولات پلاستیکی و فولادی.

خبرطوری

ارتباط آلودگی هوا با یک اختلال قلبی کشنده

پژوهش جدید کنگره علمی «انجمن قلب وعروق اروپا» نشان می دهد که احتمال ابتلا به آریتمی های قلبی در روزهایی که هوا بسیار آلوده است، شایع تر است. براساس این پژوهش، افرادی که بیشتر در معرض خطر ابتلا به آریتمی هستند، باید سطوح آلودگی روزانه را بررسی کنند. هنگامی که غلظت آلاینده به ترتیب بیش از ۳۵ میلی گرم بر مترمکعب و ۵۰ میلی گرم بر مترمکعب باشد، بهتر است تا حد امکان در داخل خانه بمانند و از ماسک ان ۹۵ در بیرون از خانه، به ویژه در مناطقی با ترافیک سنگین استفاده کنند. در خانه نیز می توان از دستگاه تصفیه هوا استفاده کرد. براساس گزارش «سازمان جهانی بهداشت» (WHO)، آلودگی هوا سالانه حدود ۴/۲ میلیون نفر را از بین می برد. از هر پنج مرگ ناشی از بیماری های قلبی عروقی، تقریبا یک مورد به دلیل هوای آلوده است که چهارمین عامل مرگ ومیر پس از فشار خون بالا، مصرف دخانیات ورژیم غذایی نامناسب به شمار می رود.

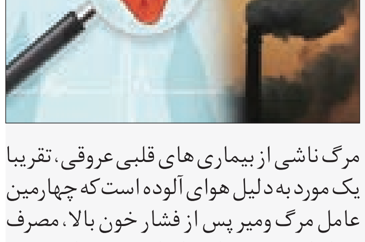

فرارو

تلنگر

حق محله ای که در داستان نویسی ما ادا نشد

عکس: اشکان پردل

ساجد سنابادی | در مجموعه رمان های «سرگذشت نارنیا» (نوشته سی اس لوئیس) کمدی هست که بچه ها از طریق آن وارد دنیای دیگری می شوند. در مثل جای مناقشه نیست اما از نظر تفاوت شگفت انگیز دو دنیایی که قهرمانان سرگذشت نارنیا در دو سوی کمد می بینند، می توان از محله ای در همین مشهد خودمان یاد کرد؛ مجتمع شهید بهشتی یا شهرک عرب ها. محله ای که وقتی واردش می شوی، خودت را در دنیایی دیگر می بینی؛ دنیایی که در آن ایرانی هایی زندگی می کنند که شاید بیشترشان به زبان عربی حرف می زنند. برخی از آن ها لباس های امروزی به تن دارند و عده ای هم به رسم خطه اجدادی شان، خوزستان، دشداشه می پوشند. کودکانی را مشاهده می کنی که خیلی هایشان سبزه رویند و با عشق و استعدادی یادآور برزیلی ها، دنبال توپ فوتبال می دوند و به عربی رفیقشان را صدا می زنند تا بهشان پاس گل بدهد. دکه هایی که به سیاق قدیم، بازار ارزاق به پا کرده اند و نیازینه های زندگی اهالی را عرضه می کنند. این مردمان مهاجر، خوزستانی دیگر در دل مشهدالرضا ساخته اند تا اندوه دوری از ولایتی کم شود که هشت سال در خط مقدم دفاع از میهن، شهید و جانباز و آزاده های بسیار به دیگر هم وطنان معرفی کرد. در این شهرک که برای خودش شهری است، احتمالا بتوان با دو طیف از مردم روبه رو شد؛ میان سالان و به ویژه سال خوردگانی که هنوز غم غربت و یادزادگاه، ملولشان می کند اما به علت هایی از قبیل غفلت مسئولان از خوزستانِ پس از جنگ و نبود امکانات بسنده برای یک زندگی معمولی در آنجا، نمی توانند برگردند و کودکان و نوجوانان و جوان هایی که در مشهد به دنیا آمده و بزرگ شده اند و خاطرات شیرین خوزستان را صرفا از زبان بزرگ ترهایشان شنیده یا در سفرهای خود به آنجا در ذهن خود تصور کرده اند. این گروه دوم، رسما مشهدی اند اما خود را خوزستانی هم می دانند. شهرک شهید بهشتی جزو محله های کم برخوردار مشهد است ولی این موضوع سبب نشده است شخصیت های شناخته شده ای در سطح کشور از آن برنخیزند. از سیدعلی موسوی، بازیکن پیشین تیم فوتبال استقلال، تا محسن چاوشی، خواننده محبوب موسیقی پاپ. آدم های این محله و فرهنگ و زیستشان، سرشار از سوژه های داستانی اند اما آن ها چقدر در ادبیات داستانی ما ظهور و بروز کرده اند؟ تقریبا هیچ. نگارنده این یادداشت، با پرس وجو از نویسنده هایی که خود اهل این محله اند، به دنبال پیدا کردن ردی از آن در داستان ها و رمان های ایرانی بود اما تلاشش بی حاصل بود، مگر اینکه کنش هایی کوچک در حد نوشتن این مطلب، جرقه ای باشد برای تهییج و ترغیب داستان نویسان و نگاشتن از شهرک. صاحب این قلم عملا اثر شناخته شده ای نمی شناسد که هنرمندانه داستان مردمان شهرک را روایت کرده باشد. اگر هم نشانی از اندک کاری دیده است، توجه این داستان ها به محله مدنظر در حد اشاره بوده و بس (یا اگر کاری بوده است که خلاف این گفته را می رساند، از چشم نگارنده دور مانده است). به راستی مایه تأسف نیست که حق این محله در ادبیات داستانی ما ادا نشده باشد؟ آن هم محله ای که در دهه های اخیر مدرسانی به جامعه ادبیات مشهد تحویل داده است که خود داستان نویسان بسیاری را تربیت کرده اند. نگارنده دست کم سه نویسنده و مدرس داستان نویسی می شناسد که به جوان ترها و بلکه بزرگ ترهای مشهد داستان نوشتن آموخته اند؛ از حمیدرضا فردوسی و سیدسعید موسوی تا علی موسی زاده که جوان تر از دو نفر قبلی است. موسوی و موسی زاده ظاهرا همچنان کلاس داستان نویسی برگزار می کنند و من امیدوارم لااقل آن دسته از شاگردانشان را که پرورش یافته محیط شهرک شهید بهشتی اند، به نوشتن از آن تشویق کنند؛ هم برای اینکه حق این محله با ظرفیت های داستانی بسیارش تا اندازه ای ادا شود و هم از این رو که آثار تازه ای به ادبیات داستانی ایران افزوده شود و این ادبیات را غنی تر سازد. امیدوارم.

کتاب‌خوان

پا به پای باران

کتاب «پا به پای باران» نوشته هدایت ا... بهبودی و مرتضی سرهنگی، را انتشارات سوره مهر منتشر کرده است و دربردارنده تأثیرگذارترین گزارش هایی است که درباره هشت سال جنگ تحمیلی گردآوری شده است ونمای شهرهای خوزستان را بعد از پایان جنگ به تصویر می کشد. این گزارش ها مربوط به سال های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ است و موضوع آن درباره جنگ ایران و عراق. محتوای اصلی کتاب در این گزارش ها، بازدید از جبهه های جنوب، مناطق جنگی، خانه ها و مردم جنگ زده است.

در گزارش دوم کتاب به نام «ده متری زنبق» می خوانیم: «من در سن پنجاه وهشت سالگی به همراه گروهی از معلولان به خرمشهر برگشتم. وقتی رسیدم، شنیدم که دو پسرم شهید شده اند... وقتی از خانه پورحیدری ها بیرون می زنیم، نم مه، چشمان ما را گرفته است.

هنوز هم به خودمان نیامده ایم. چطور می شد دنیای بزرگ آنان در این حیاط چهل متری جای گیرد و خبر آن از همین ده متری زنبق بیرون نرود؟

طنین شعرهای شعرای گمنام، صحن مسجد جامع را پوشانده است. کلماتی که باید از بستر یک ذهن موزون برخیزد و قامت هایی را بسراید که به اشاره ولایت ایستاده بودند. کلماتی که آمده بودند تا شاخه گلی از غزل یا رباعی را به گلزار شهدای خرمشهر هدیه کنند. کلماتی که بعد از این باید با لباس پاسداری از حجله خانه پورحیدری ها و از کوچه هایی مثل ده متری زنبق، از خیابان هایی چون طالقانی، از شهری مثل خرمشهر و از یادهایی مثل جهان آرا، موسوی و... دفاع کنند تا خواندنی بشوند و ماندنی برای همیشه.

خرمشهر که غزلی مثل اروند از کنارش جاری است و خود قصیده ای است ناتمام، اکنون انبوه کلمات موزون دست در دست یکدیگر انداخته اند تا بیتی برای این قصیده ناتمام بیافرینند؛ قصیده ای که شهدا تا مرز آزادی خرمشهر آن را سرودند و امروز تکمله آن به گردن قلم هایی است که پیش از این مسلسل بودند.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری|مدرس ویراستاری

پیچیدگی زبانی در نوشته های امروز به گونه ای است که خواننده برای فهمیدن یک متن باید آن را دو تا سه بار بخواند. جمله در شکل طبیعی خود باید نزدیک به ۲۰ کلمه باشد، حال آنکه جمله هایی را در رسانه ها و نامه ها و دیگر قالب ها می بینیم که گاه به حدود ۱۰۰ کلمه می رسد. با طولانی شدن جمله ها، لذت خواندن و دریافت مفهوم را از خواننده می گیریم، پس جمله های بلند را به چند جمله کوتاه تقسیم کنیم.

#زین_قند_پارسی